



عربی هفتم

منوطة اول

(نکات و خلاصه درس)



(تمامی حقوق متعلق به مجتمع آموزشی و پژوهشی ثمین می باشد.)

الدَّرْسُ الثَّانِي: أَهْمِيَّةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

درس دوم: اهمیت زبان عربی

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» لِأَنَّهَا نَجَحْنَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ قَادِرُونَ عَلَى قِرَاءَةِ الْعِبَارَاتِ وَ النُّصُوصِ الْبَسِيطَةِ.
«ستایش از آن خداوند، پروردگار جهانیان است.» برای اینکه ما در سال گذشته موفق شدیم و بر خواندن عبارات و متن-های ساده توانا هستیم.

نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَى تَعَلُّمِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ، لِأَنَّهَا لُغَةُ دِينِنَا، وَ اللُّغَةُ الْفَارْسِيَّةُ مَخْلُوطَةٌ بِهَا كَثِيرًا.
ما به یادگیری زبان عربی احتیاج داریم، زیرا آن زبان دین ماست و زبان فارسی بسیار با آن آمیخته است.

أَنَّ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنَ اللُّغَاتِ الْعَالَمِيَّةِ.

همانا زبان عربی از زبان‌های بین‌المللی است.

الْقُرْآنُ وَ الْأَحَادِيثُ «بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ».

قرآن و احادیث «به زبان عربی آشکار است».

الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي مُنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.

عربی از زبان‌های رسمی در سازمان ملل متحد است.

الْإِيرَانِيُّونَ خَدَمُوا اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ كَثِيرًا. «الْفِرُوزْآبَادِي» كَتَبَ مُعْجَمًا فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمَهُ «الْقَامُوسُ الْمُحِيطُ» وَ «سَيَبُويَّة» كَتَبَ أَوَّلَ كِتَابٍ كَامِلٍ فِي قَوَاعِدِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ اسْمَهُ «الْكِتَابُ».

ایرانیان به زبان عربی بسیار خدمت کرده‌اند، فیروزآبادی واژه‌نامه‌ای به زبان عربی نوشت به اسم «قاموس المحيط» و سیبویه اولین کتاب کامل درباره‌ی قواعد زبان عربی نوشت که اسمش «الكتاب» است.



أَكْثَرُ أَسْمَاءِ الْأَوْلَادِ وَ الْبَنَاتِ فِي الْعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ عَرَبِيٌّ.

بیشتر نام‌های پسران و دختران در جهان اسلام، عربی است.

الْكَلِمَاتُ الْعَرَبِيَّةُ، كَثِيرَةٌ فِي الْفَارْسِيَّةِ وَ هَذَا بِسَبَبِ احْتِرَامِ الْإِيرَانِيِّينَ لِللُّغَةِ الْقُرْآنِ.

کلمه‌های عربی در فارسی بسیار است و این به دلیل احترام ایرانیان به زبان قرآن است.

أَنَا أَعْرِفُ مَعْنَى كَلِمَاتٍ كَثِيرَةٍ وَ أَذْكُرُ كُلَّ كَلِمَاتِ السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ وَ أَقْدِرُ عَلَيَّ قِرَاءَةَ النُّصُوصِ الْبَسِيطَةِ. جَاءَ فِي الْأَمْثَالِ:

من معنی کلمات زیادی را می‌دانم و تمام کلمات سال گذشته را به یاد دارم و می‌توانم متن‌های ساده را بخوانم. در مثال آمده:

«الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ.»

«علم در کودکی، مانند (کندن) نقش روی سنگ است.»

يَا أَخِي، أَأَنْتَ تَعْرِفُ مَعْنَى كَلِمَاتِ الْكِتَابِ الْأَوَّلِ أَيْضًا؟

ای برادرم، آیا تو هم، معنی کلمات کتاب اول را می‌دانی؟

يَا أُخْتِي، أَأَنْتِ تَفْهَمِينَ مَعْنَى الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ السَّهْلَةِ؟

ای خواهرم، آیا تو معنی آیات و احادیث آسان را می‌فهمی؟



قواعد:

فعل مضارع:

فعلي است که بر انجام دادن کار یا روی دادن حالي در زمان حال دلالت دارد.

در ترجمه فعل مضارع به فارسی ، در ابتدای فعل « می » می آید.

مانند : می آید - می نوشد - می نویسم

نشانه های فعل مضارع :

ا - ت - ی - ن

حروف (آتین یا تینا) اگر بر سر فعل بیاید آن را مضارع می کند.

مانند: ا: أَذْهَبُ - ت: تَذْهَبُ - ی: يَذْهَبُ - ن: نَذْهَبُ

فعل مضارع دارای ۱۴ صیغه می باشد:

۶ صیغه غایب : درباره کسی صحبت می شود که در پیش ما نیست.

۶ صیغه مخاطب : درباره کسی صحبت می شود که در پیش ما حاضر است و با آن ها صحبت می شود.

۲ صیغه متکلم : یعنی کسی که گوینده است ، گاهی این گوینده یک نفر است که به آن متکلم وحده (من) می

گویند و گاهی این گوینده چند نفر است که به آن متکلم مع الغیر (ما) می گویند.

در این درس با ۳ شخص از فعل های مضارع آشنا می شوید که آنها عبارتند از اول شخص مفرد ، دوم شخص مفرد

مونث و دوم شخص مفرد مذکر.



فعل مضارع اول شخص مفرد (متکلم الوحده)

أنا أَذْهَبُ: من می روم.

در این حالت به اول ساده ترین شکل حالت فعل ماضی یعنی سوم شخص مفرد مذکر، أَ اضافه می کنیم و حرکت آخرین حرف فعل از ـَ به ـِ تغییر می یابد.

فعل مضارع دوم شخص مفرد مذکر

أنتَ تَذْهَبُ: تو (مذکر) می روی.

در این حالت به اول ساده ترین شکل حالت فعل ماضی یعنی سوم شخص مفرد مذکر، تَ اضافه می کنیم و حرکت آخرین حرف فعل از ـَ به ـِ تغییر می یابد.

فعل مضارع دوم شخص مفرد مؤنث

أنتِ تَذْهَبِينَ: تو (مؤنث) می روی.

در این حالت به اول ساده ترین شکل حالت فعل ماضی یعنی سوم شخص مفرد مذکر، تَ اضافه می کنیم و به آخر فعل یَ اضافه می شود.

شخص	فعل ماضی	معنی	فعل مضارع	معنی
اول شخص مفرد	أنا كَتَبْتُ	من نوشتم	أنا أَكْتُبُ	من می نویسم
دوم شخص مفرد	أنتَ كَتَبْتَ (مذکر)	تو نوشتی	أنتَ تَكْتُبُ	تو می نویسی
دوم شخص مفرد	أنتِ كَتَبْتِ (مؤنث)	تو نوشتی	أنتِ تَكْتُبِينَ	تو می نویسی



ترجمه کنید:

فعل	ترجمه
أَذْهَبَ	مي روم
أَصْنَعُ	مي سازم
تَعْلَمُ	مي داني
تَزْرَعُ	مي کاري
تَعْرِفُ	مي شناسي
تَقْبَلُ	قبول مي کني

فعل	ترجمه
ذَهَبْتُ	رفتم
صَنَعْتُ	ساختم
عَلِمْتُ	دانستي
زَرَعْتُ	کاشتي
عَرَفْتُ	شناختي
قَبِلْتُ	قبول کردي

